



۳۱

سوسیالیسم امروز

۱۳ ژانویه ۲۰۱۸ ۲۳ دی ۱۳۹۶

www.simroz.org

S_zijji@yahoo.se

سرمدیه: سلام زیجی

**پیروزی انقلابی بر جمهوری اسلامی
در گروه سیاست و عملکرد مستقل انقلابی
و سوسیالیستی-کارگری است**

(گفتگو با رفقا آذر کیمیا، ابراهیم باتمانی، شیرین اعتماد و
عزیز آجیکند از اعضای شورای رهبری حزب
سوسیالیست انقلابی ایران)
صفحه ۳

**کمتر از چهار میلیون تومان
حداقل دستمزد را نباید پذیرفت!
(سخنرانی سلام زیجی در سمینار کارگری...)**

صفحه ۹

**جوانان،
آرزوها، رویاها و آرمان های
دیگری درس دارند**

صفحه ۷

**اسلام و تسلیم نقطه مقابل آزادیند!
(قرآن را با زبان مادری بخوانیم)**

صفحه ۸

سرمایه داری ترازنامه عملی

(از برنامه حزب سوسیالیست انقلابی)

نظام سرمایه داری مسبب و عامل بقاء کلیه مصائب گریبانگیر انسان امروز است. فقر و محرومیت، تبعیض و نابرابری، اختناق و سرکوب سیاسی، جهل و خرافه و عقب ماندگی فرهنگی، بیکاری، بی مسکنی، ناامنی اقتصادی و سیاسی، فساد و جنایت همه و همه محصولات گریزناپذیر این نظامند. سخنگویان بورژوازی در انکار این حقیقت، خاطر نشان میکنند که این مصائب را سرمایه داری ابداع نکرده است، که همه اینها مقدم بر سرمایه داری وجود داشته اند، که استثمار و تصاحب دسترنج تولید کنندگان، استبداد، تبعیض، ستمکشی زن، جهل و خرافه و مذهب و فحشاء کمابیش به قدمت خود جامعه بشری اند.

آنچه در این میان پرده پوشی میشود این واقعیت است که اولاً، همه این مصائب و محرومیت ها در این جامعه محتوا و معنای جدیدی متناسب با نیازهای جهان سرمایه داری یافته اند و هر روز از نو در متن سرمایه داری مدرن امروز، به عنوان اجزاء لایتنجری این نظام، باز تولید میشوند. منشاء فقر و گرسنگی، بیکاری و بی مسکنی و ناامنی اقتصادی در انتهای قرن بیستم، نظام اقتصادی انتهای قرن بیستم است. استبدادها و دیکتاتورهای خونین، جنگها، مردم کشی ها و

صفحه ۲

کارگران جهان متحد شوید!

سرمایه داری ...



سرکوب و اختناقی که سهم صدها میلیون انسان امروز از زندگی است، حکمت خود را از نیازها و ملزومات نظام حاکم بر جهان امروز میگیرد و به منافعی در همین جهان خدمت میکند. فرودستی زن امروز در کل پهنه جهان، محصول اقتصاد و اخلاقیات قرون وسطی نیست، محصول نظام اقتصادی و اجتماعی و ارزش های اخلاقی جامعه امروز است. ثانیاً، این بورژوازی و نظام سرمایه داری است که دائماً به سرسختانه ترین وجه با تلاش هر روزه توده های وسیع مردم در چهارگوشه جهان برای فائق آمدن بر این مشقات و محرومیت ها و عقب ماندگی ها مقابله میکند. تلاش هر روزه کارگر برای بهبود اوضاع اقتصادی و رفاهی و حقوق مدنی توده وسیع مردم با مانعی جز بورژوازی و دولت ها و احزاب و مبلغینش روبرو نیست. خیزش های توده های وسیع مردم در مناطق عقب مانده و محروم برای دخالت در سرنوشت خویش، بعنوان اولین مانع با نیروی قهریه بورژواهای محلی و بین المللی روبرو میشود. دولت، نهاد مذهب، رسانه ها و دستگاه های تبلیغاتی عظیم بورژوازی، سنت ها و اخلاقیات و نظام تربیتی و آموزشی طبقه حاکمه سازنده ذهنیت های عقب مانده، متعصب و تبعیض گر در بین توده مردم و نسلهای پی در پی است. جای تردید نیست که این سرمایه داری و بورژوازی است که سد راه نقد و تغییر جهان امروز توسط میلیون ها انسانی است که نه فقط از نظام موجود به تنگ آمده اند بلکه کمابیش خطوطی را که یک جامعه شایسته انسان باید بر طبق آن سازمان یابد شناخته اند.

امروز، در انتهای قرن بیستم، در اوج جهانی شدن سرمایه و سرمایه داری، در دل عظیم ترین انقلابات تکنولوژیکی، بشریت در یکی از خطرناک ترین دوره های تاریخ خود سیر میکند. مساله بقاء فیزیکی معضل میلیون ها انسان از کشورهای فقر زده آفریقا و آسیا تا قلب پایتخت های اروپای غربی و آمریکاست. امید توسعه اقتصادی جوامع عقب مانده دیگر به تمامی به یاس مبدل شده است. رویای رشد جای خود را به کابوس دائمی قحطی و بی غذایی و بیماری داده است. در اروپا و آمریکای پیشرفته بدنبال سالها رکود عمیق اقتصادی، نوید نیم بند "رونق بدون اشتغال"، عیناً همین کابوس را جلوی دهها میلیون خانواده کارگری گرفته است. جنگ و مردم کشی در ۵ قاره بیداد میکند. عظیم ترین عقبگردهای فکری و فرهنگی در جریان است، از بالا گرفتن مجدد جهالت مذهبی، مردسالاری، نژاد پرستی، قوم پرستی و فاشیسم تا سقوط حقوق و شان فرد در جامعه و رها شدن هستی و زندگی میلیون ها مردم از کودک و پیر و جوان به دست بیرحم بازار آزاد. جنایت سازمان یافته در اغلب کشورها به یک واقعیت پابرجا در زندگی روزمره مردم و حیات اقتصادی و سیاسی کل جامعه تبدیل شده است. اعتیاد به مواد مخدر و قدرت روز افزون شبکه های جنایی تولید و توزیع آنها یک معضل عظیم و لاینحل بین المللی است. نظام سرمایه داری و اصل اصالت سود کل محیط زیست را با خطرات جدی و لطمات جبران ناپذیری روبرو ساخته است. در این میان متفکرین و سخنگویان بورژوازی حتی مدعی ارائه پاسخی در قبال این اوضاع نیستند. این واقعیت عملی سرمایه داری امروز است که آینده بسیار هولناکی را پیشرویی کل مردم جهان گرفته است. **برگرفته از: "یک دنیای بهتر"، برنامه حزب سوسیالیست انقلابی ایران**

<p>نه شاد نه شیخ، نه قومی نه مذهبی، نه ملی اسلامی ها، نه فدرالیست چی ها، نه اسلام مجاهدینی، نه سیستم رعیت پروری پادشاهی، مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد سوسیالیسم! زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری!</p>	<p>ما فقط برای یک پیروزی سوسیالیستی مبارزه میکنیم!</p> <p>بدون پیروزی سوسیالیسم هیچ اعتراض و "انقلابی" به نفع طبقه کارگر و اکثریت جامعه تمام نخواهد شد!</p> <p>سلام زیجی S_zijji@yahoo.se</p>	<p>کارگران، زنان، جوانان، مردم مبارز و تشنه آزادی و برابری!</p> <p>برای رسیدن به اهداف خود به صف کارگران و سوسیالیستها، و به حزب سوسیالیست انقلابی ایران بپیوندید! این حزب، حزب شما است! حزب سوسیالیست انقلابی را به جامعه معرفی کنید و در حمایت از آن در شکل محافل و دستجات مختلف خود را سازمان بدهید، خود را با رهبری حزب هماهنگ کنید، و بطور منظم با ما در تماس باشید. iransocialist2017@gmail.com.</p>
--	--	---

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

پیروزی انقلابی بر جمهوری اسلامی در گروه سیاست و عملکرد مستقل انقلابی و سوسیالیستی-کارگری است (گفتگو با رفقا آذر کیمیا، ابراهیم باتمانی، شیرین اعتماد و عزیز آجیکند)

از اعضای شورایی رهبری حزب سوسیالیست انقلابی ایران)

در سال ۵۷ و به آسانی به هر حرکت و جریان و آینده ای مبهمی نمیتوانیم تن در بدهیم. جمهوری اسلامی رژیم متنفر ما است اما نباید بخاطر فرار از دست مار خود را به آتش یا مسیر ناروشن انداخت. و من همینجا بسیار خوشحالم که حزب ما نگاه واقعی به تحولات دارد و بدست به نقد کمبودها و نقش مخرب جریانات دیگر رفت، شخصا فکر میکنم نیروهای که همان روش سال ۵۷ را تکرار میکنند و فکر میکنند با موج "اعتراض و انقلاب" آنها فردا قدرت میگیرند همان خطای دارند میکنند که سال ۵۷ چپ مرتکب آن شد. احزابی که خود را کمونیست و کارگر و سوسیالیست می داند اما یک بار هم در باره نقش مخرب و خطرناک جریان مجاهد و سلطنت طلب و ملی و اسلامی ها و غیره چیزی نمی گوید بنظر من چنین نیروی نه کمونیست است، نه کارگری، نه انقلابی! و نه مسئول در قبال مردم تشنه آزادی و رفا و امنیت. میخوام این حقیقت را نیز یا آور شوم که این رژیم با چند شعار و اعتراض سرنگون نمی شود، این رژیم با اعمال حمایت دولت امریکا و امثال آنها از "مردم" تضعیف نمیشود بر عکس روحیه انقلابی و اهداف آزادیخواهانه آنها را از درون تهی میکند و در نهایت کلا سر مردم می گذارند و اوباششان در زمان خود مردم را سرکوب میکنند، درست همان کاری که سال ۵۷ انجام دادند. شرم آور است وقتی شنیدم رهبری یک حزب "کمونیستی" از "اعلام حمایت ترامپ" زوق زده شده است. خلاصه باید این حقایق را متوجه شد که زور و قدرت و نبرد بسیار جدی و حتی خونینی را باید سازمان داد تا بتوانیم بر پیکره جنایتکارانه رژیم اسلامی پیروز شویم. و در راس این تلاش بدون حضور متحد کارگران امکان پیروزی نیست.

در ضمن جمهوری جنایت اسلامی از یکطرف به ظاهر نرمش نشان می دهد اما در واقع بطور بی سابقه ای دارد سرکوب و ترس اعمال میکند، در نتیجه بنا به عوامل که اشاره کردم روند اعتراضات بسیار کاهش پیدا کرده است. و جمهوری اسلامی هم از ترس بروز مجدد اعتراضات، شهرهای زیادی را بطور کامل نظامی کرده، چه به شکل پنهان و چه علنی.

در هر حال تردیدی نیست جامعه اکنون با بحران مواجه است. و اگر کسانی که آن را ایجاد کرده اند پاسخ مردم را ندهند و مشکلات شان را حل نکنند باز هم شاهد بروز اعتراض ها خواهیم بود. و شکی نیست جمهوری اسلامی توان این پاسخگویی را ندارد، اما با فریب و سرکوب می تواند فقط آنرا به تاخیر به اندازد، زیرا زندگی بیش از ۹۰ درصد از جمعیت ایران گروگان عده ای دزد و اختلاس گر شده است. مبارزه ادامه خواهد داشت، اما برای کسب پیروزی و شکست دادن

نشریه سوسیالیسم امروز: آخرین تحولات اعتراضی در ایران چگونه است؟ و علل کاهش اعتراضات چیست؟

آذر کیمیا: همچنانکه همه در جریان هستند اعتراض های اخیر علیه فقر و گرانی و سران حاکمیت شهرهای زیادی را فرا گرفت. اما با وجود حقانیت که داشت هنوز از ظرفیت بالا سازماندهی و رهبری منسجمی برخوردار نبود. شبکه های اجتماعی نیز اگر چه برای کمک به پیشبرد اعتراضات و خبر رسانی مفید بودند در این دوره اما در ادامه و همزمان به ابزار بخشی از سیاست انحرافی و اطلاع رسانی و گمراه کننده و غلط برخی از جریانات دیگر چه در داخل چه در خارج کشور تبدیل گردید و به زیان تداوم اعتراضات منجر گردید. اعتراض به فقر و شرایط بد اقتصادی و غیره میتواندست و میتواند حرکتها و جنبشهای اعتراضی را رادیکال و منسجم و متحد و فراگیر کند در این مقطع، اما وقتی ناگهان شعارهای بی معنی در طرفداری از جریانات و خاندان مضحک و مستبد و نوکرصفت مانند جریان پهلوی و مجاهدین آگاهانه به بخشی از معترضین تحمیل میگردد، و وقتی برخی شعار اسلامی و غیره میاید جلو و موج سواری میکنند معلوم بود که دیر یا زود به نفس روند مبارزه حق طلبانه جامعه و مردم فقیر و جوانان آسیب میرساند و بنظر من آسیب هم رساندند. آنها توانستند از راه امکانات مدیای که دارند با طرح پاره ای مطالبه و شعار بیخود و نامربوط به اعتراضات و خواست مردم علیه گرانی و فقر و فساد حاکمیت اسلامی بخشا مسیر آنرا به بیراهه کشانده و با تشدد و جدا شدن صفها و در نهایت بهره گیری رژیم اسلامی از آن منجر شد. اگر کارگران و مردم فقیر محلات و جوانان و زنان آزادیخوا صاف و شعار مستقل خود را پی گیری میکردند و آن جریانات ضد انقلابی را مانند خود جمهوری اسلامی از صفوف خود بیرون می راندند، فکر میکنم مبارزه بهتر و دامنه دارتر ادامه پیدا میکرد. هر چند تازه این مبارزه با وجود افت خیزهای تا کنونی و آرامش فعلی ممکن است باز هم از سر گرفته شود. اما باید تلاش نمود که آن جریانات و دولت نتوانند موج سواری و بهانه تراشی کنند و صدای اعتراض و مترقی را با مسائل حاشیه ای و بی ربط به زندگی و سرنوشت واقعی جامعه را به هدف معترضین میلیونی تبدیل نمایند. خوب است خود مردم نیز کمی هوشیارتر عمل کنند و به دام آن عوامفریبها نه افتند.

در ضمن باید بطور جدی به این واقعیت توجه داشت که در کشوریکه نه اتحادیه ای نه تشکیلاتی نه احزابی حق فعالیت نداشته باشند اعتراض های صورت گرفته نیز به آسانی نمیتواند به نتیجه مطلوب خود برسد. باید بسیار بیشتر خودمان را آماده تر کنیم. خصوصا ما تجربه یک انقلاب شکست خورده را داریم

آزادی، برابری، رفا، امنیت!

گفتگو با رفقا ...

در چنین حالتی روند سرنگونی رژیم نیز با جدیت بیشتری به سر انجام خواهد رسید.

یک عامل دیگر اینکه رژیم با این عوامفریبی به اعتراضات برخورد میکند متأسفانه نشانه قدرت فریب خود رژیم نیز هست و بارها در این سالها از این طریق ها، هم فریب و هم سرکوب، توانسته به حاکمیت سیاه خود ادامه بدهد، امری که دیگر نباید بیش از این به این قدرت مانور رژیم اجازه داد و آنرا میتوانیم علیه خودش تبدیل کنیم، اگر درست عمل نماییم. این رژیم قابل اصلاح نبوده و نیست. فساد و دزدی و دروغ گفتن شغل شریف سران حکومت و کاسه لیسانشان میباشد.

توجه کنید به این مضحکه سران حکومت عدل اسلام! میگویند اعتراضات جوانان و گرسنگان و بی کاران و زنان و آزادیخواهان و مردم شرافتمند غیر قانونی بوده است! عجب بی شرمی و بی حیای! آنها به جز مناسک دولتی و اسلامی به کدام اعتراض و تحصن و اعتصابی تا کنون اجازه داده اند که اکنون جامعه معترض را به "قانون شکن" متهم میکنند؟! اتفاقاً شکنانند قوانین آنها شرط اول پیشرفت در جامعه است نه رعایت آن و تسلیم شدن به آن! باید از خامنه ای و روحانی شاید پرسید مگر خودتان طبق همان "قوانین" مضحک خودتان عمل نموده اید که دم از قانون میزنید! در طول این ۳۹ سال این همه انسان را اعدام کردید، نان سفره دهها میلیون کارگر و انسان کارکن را به گرو گرفته اید و با زور چماق و تفنگ قوانین اسلامی تان را تحمیل میکنید، و شلاق و زنجیر را برای معترضین به فقر اعمال میکنید، زندانیان را میکشید و تحقیر میکنید و صدها مورد مشابه طبق کدام قانون انسانی بوده است؟ یا حتی آیا طبق "قوانین بین المللی" که خود امضا کننده آن هستید عمل نموده اید که افراد زیر ۱۸ سال را اعدام کرده اید؟ پول گلوله اعدام جانباختگان را که از خانواده اشان میگرفتید "قانونی" بود؟ این همه سنگسار و اسید پاشیدن به روی زنان ایران "قانونی" بود؟ عدم تحویل جانباختگان به خانواده شان و قبرهای بی نام و نشان اعدام شدگان بشمار "قانونی" بود؟ پول اکثریت ۹۰ در صد آن مردم که اکثر کارگران و زحمتکشان هستند را دارید میدهید به حزب الله لبنان و حشد شعبی عراق و به رژیم جنایتکار سوریه و به شیعیان یمن و گسترش شیعه گری و غیره "قانونی" است؟ شما سران حاکمیت خدا و اسلام محمد این همه دزدی کرده اید و توی بانکهای خارج سرمایه گذاری کرده اید و به کسی هم حساب پس نمدهید "قانونی" است؟ رادیو و تلویزیون که با سهم و مالیات و پول مردم کار میکند و مردم هم هیچ موقع ازش استفاده نمیکند و خودتان شب تا روز در آن دروغ و خرافات پخش میکنید "قانونی" است؟ کشتن بیش از ۲۰ نفر، بازداشت نزدیک به چهار هزار نفر و کشتن چندین جوان بازداشتی در همین اعتراضات هفته گذشته را شما اسمش گذاشته اید "عمل قانونی" برای خود و اعتراض جامعه را به این شرایط هولناک را "غیر قانونی" اسم گذاری می کنید؟ شما غلط میکنید! ما تنها با زیر پا گذاشتن آشکار و اجتماعی کلیه این قوانین ضد انسانی شما میتوانیم قوانین و مناسبات انسانی و برابر را بدست بیاوریم! جمهوری اسامی با آن ترفندها ممکن است بار دیگر موقتا از این بحران عبور کند اما دیگر قادر نخواهد بود زخم عمیقی که بین جمهوری اسلامی و همه جناحهای آن با

جمهوری اسلامی و ساختن جامعه نوین و خوشبخت باید با قیامهای به مراتب سیاسی تر و طبقاتی تر و سازمان یافته شده تر متکی بود. چنانچه از هر نظر با آمادگی وارد جنگ نهائی با جمهوری اسلامی نشویم عملاً به استقبال تداوم حاکمیت همین رژیم یا کمک به شکل گیری یک حکومت باب طبع عربستان و امریکا خواهیم رفت، و تکرار شرم آور دوره سال ۵۷ خواهد بود. جز توجه جدی و عملی به این عوامل کلیدی، هر شکلی دیگر از سیاست کردن و شعار دادن به بازی کودکانه و خود فریبی شباهت خواهد داشت.



سوسیالیسم امروز: خامنه ای و روحانی و دیگر سران رژیم از یک سو گفته اند "بخشی از خواستههای مردم معترض درست است و مردم حق دارد"، اما فوراً و همزمان عامل اعتراضات را "فتنه" و دخالت و نقشه دشمن معرفی کردند؟ چرا سران رژیم چنین برخوردی به اعتراض کنندگان میکنند؟

ابراهیم باتمانی: نه! اینها هیچ حقی ندادند به معترضین. موضعگیری که خامنه ای و روحانی و دیگر مقامات نظامی و مجلس اسلامی گرفتند فقط یک شیادی و حقه بازی و دروغ بافی بزرگ است. آنها بخاطر وحشتی که داشتند و از ترس جامعه و با هدف فریب مردم از سوی با زبان نرمش و "حق دارند" وارد شدند و اما از سوی دیگر برای سرکوب معترضین مانند همیشه مهر دست داشتن خارجی ها را بر پیشانی مردم معترض به گرسنگی و فقر و فساد و حاکمیت اسلامی چسبانند. به من نشون بدهید که سران فاسد رژیم در عرض این ۳۹ سال که سر کار هستند ۳۹ کلمه حرف منطقی و حقیقت را به جامعه گفته باشند؟ هدف و تلاش سران جنایتکار جمهوری اسلامی فقط سرکوب و تهدید و پاپوش دوزی بوده و هست نه چیزی دیگر. اکثریت مردم زحمتکش ایران با این شعبده بازیهای جمهوری اسلامی آشنا هستند و فریب این نوع موضعگیریهای سران حکومت نمیخورند. این حکومت در عمل نشان داده است ربطی به آن جامعه به خصوص به زنان و آزادیخواهان و به کارگران و محرومان و انسانهای شرافتمند و جوانان مبارز جامعه نداشته و ندارد. اکثریت مردم ایران، یعنی کارگران و زنان و جوانان و انسانهای آزادیخواه به شدت ناراضی و متنفرند از این رژیم مرتجع و خواهان سرنگونی او هستند و دست بردار هم نیستند و باید این پروسه سرنگونی را به ثمر برسانند. البته همچنانکه ما بارها گفته ایم این سرنگونی هنگامی به نتیجه درست می رسد که طبقه کارگر و زنان و جوانان و مردم آزادیخواه صف خود را از احزاب و نیروهای دیگر ملی و اسلامی جدا کنند و به سیاست و اهداف سوسیالیستی روی بیاورند.

زنده باد اتحاد و همبستگی طبقاتی کارگران!

گفتگو با رفقا ...

مطالباتی که سالهاست از سوی کارگران و معلمان و دانشجویان و پرستاران و همه اقشار زحمتکش جامعه فریاد زده شده است و حکومتگران بدون هیچ توجهی به آنها مشغول چپاول و غارت ثروت‌های اجتماعی بوده اند و اینک تنها با اتحاد و همبستگی تداوم اعتراضات میتوانیم به پیشرفت و پیشبردها دفاعمان برسیم و صدای زنی را که دل به دریای آهنین سپرهای مامورین زد و با تمام وجود بیرون ریخت را رساتر به گوش جهانیان برسانیم.

این اعتراضات هر چند متأسفانه فعلا رو به کاهش گذاشته است اما به اندازه چند سال آگاهی و آمادگی و اعتراض را به میدان آورده است، که زنان نیز بی شک در ادامه خود نقش پرنگتری در مبارزه علیه حاکمیت ضد زن اسلامی ایفا خواهند نمود. تلاش برای خود آگاهی بیشتر نسبت به حقوق خود به عنوان زن، توجه بیشتر به آینده بعد از رژیم اسلامی که باید حکومتی سر کار بیاوریم که نه اسلامی نه مرد سالار و سرمایه دار و نه حامل سود جوئی جنسیتی و مادی از زن باشد. در این جهت بنظر من رهایی واقعی زنان در گروه پیوستن بیشتر آنها به سیاستهای سوسیالیستی و آزادیخواهانه و برابری طلبانه است. این رمز پیروزی زن بر تمام ستم و نابرابریهای اعمال شده تا کنونی در قالب جمهوری اسلامی و همچنین فرهنگ عقب مانده جامعه و خانواده و غیره است. زنان و مردان آزادیخواه را به پیوستن به این تلاشها و سیاستها

فرامیخوانم.

سوسیالیسم امروز: اکثر

شرکت کنندگان در اعتراضات

اخیر نسل جوان دختر و پسر

تشکیل می دادند. متأسفانه

تقریباً کلیه کشته شدگان در

تظاهراتها و در زندان نیز

جوانان تشکیل می دهند،

چرانسل بزرگ شده در حاکمیت

رژیم اسلامی چنان معترض و در

عین حال شجاعند؟ بنظر شما چه

مطالبات و شعارهای مطالبات و

هدف نسل پیشرو و متمدن

جوانان را بهتر نمایندگی میکند؟



عزیز آجیکند: در هر مقطع تاریخی نسلی از جوانان انقلابی، رزمنده، پرشور و مبارز متولد میشوند. این نسل بالنده جانمایه نیروی انسانی تکامل و حرکت پیشرونده زمان خود بوده و هست و همیشه هم در حال گذر بوده است. این نسل در حیات سیاسی و اجتماعی به مثابه یک جنبش، دایم در حال تحول و دگرگونی و شکوفایی بوده است و طبق قانونمندیهای اجتماعی در تکامل و ترقی جامعه خود سهم عمده را بدوش داشته است. به مسائل و پدیده های پیشرفته و مدرن تمایل پیدا کرده و از ظهور آن استقبال کرده است. در برابر رویدادها، حوادث و حرکت های سیاسی جامعه خود بی تفاوت نبوده است.

علاوه به ویژگی دوران جوانی نسل جوان. که حامل انرژی و شور و عمل انقلابی و ملیتانت است و علیه استبداد و زورگویی ها،

جامعه به وجود آمده مداوا نماید. هرچه بیشتر این رژیم اعتراض واقعی جامعه به خود را بخواهد با اسم "فتنه" و "دخالته دشمن" به خورد صفوفش بدهد بیشتر مورد تنفر جامعه قرار میگیرد و باید در انتظار فوران اعتراضات به مراتب گسترده تر و شکننده تر باشد.

این رژیم باید سر نگون شود! مرگ بر جمهوری اسلامی ایران و نه به کلیت نیروهای ملی اسلامی ها و سلطنت طلبان ورشکسته و مجاهدین چارقدرس! زنده باد آزادی، زنده باد برابری، زنده باد سوسیالیسم!



سوسیالیسم امروز: در اعتراضات اخیر نقش زنان برجسته

بود علل آن چه است؟ و بنظر شما زنان چگونه میتوانند نقش

بهتری ایفا نمایند؟

شیرین اعتماد: اینکه زنان در پیش بردن این جریانات نقش

بسیار پر رنگ و برجسته ای داشتند و پرچمداران بسیار شجاع

بودند هیچ شکی نیست چرا که زنان یکی از وسیعترین قربانیان

جامعه ایران هستند. از اینرو پر واضح است که در چنین

جوامعی، که طبعاً نیمی از جمعیت انرا زنان تشکیل میدهند، با

گرفتن هویت انسانی از زنان و سرکوب مطالبات این بخش از

جامعه بصورت رسمی و قانونی، رهایی و برابری هرگز معنی

نخواهد داشت، بلکه برای رهایی و برابری ناچاراً باید علیه

چنین نظامی به مقابله برخاست. در ایران زنانی هستند که

بیشترین بخش دستفروشان و کارگران خدماتی و به طور کلی

ردیف مشاغل بی ثبات اجتماعی را تشکیل میدهند. و در آمارها

خبر از بیکاری دوبرابرشان نسبت به مردها را نشان میدهند.

زنانی که از بیکاری سازی ها و معوق ماندن دستمزدها و نبود

ارگان پاسخگوی کارگران به فغان آمده اند. اینجاست که

دیگر حاضر نیستند تن به ستم دهند و در نهایت به تنگ آمده از

ستم و سرکوب و فقر و بیکاری و گرانی در ابعادی سراسری

باحضور پر رنگشان به خیابانها ریخته و همه متحد و یکپارچه

خواسته های خود را برای پایان دادن به وضعیت جهانی موجود

فریاد میکنند.

بر قرار باد جمهوری سوسیالیستی!

گفتگو با رفقا ...



بخشی از جوانان را به لحاظ سیاسی و اجتماعی در حاشیه تحولات و مبارزات اجتماعی قرار داده بود. تا اینکه بار دیگر و در یک فرصت عالی اعتراضات توده‌ای که روز پنجشنبه ۷ دیماه ۱۳۹۶ از مشهد جرقه‌اش زده شد و به سرعت ایران را فرا گرفت، جوانان همراه با افشار مختلف جامعه سکوت خود را شکستند و به خیابانها ریختند و فریاد خود را بار دیگر سر بر آوردند. کار و امنیت شغلی، یا بیمه بیکاری، خواست و حق بی چون چرای کارگران شاغل و بیکار و جوانان متقاضی کار است. این حق اما با یک مبارزه متشکل و سازمانیافته و صد البته تنها با برپائی جنبشی علیه بیکاری متحقق خواهد شد. جنبشی که شرایط عینی آن آماده است. نیروی بالقوه این جنبش نه تنها خیل میلیونی کارگران بیکار، بلکه میلیون ها کارگر شاغل و خانواده های کارگری را نیز در بر می‌گیرد.

در کلیت خود، در این دوره اعتراض امیز، ناگفته نماند که این جنبش و نقش جوانان در کنار نقش مثبت و پر شور آنها در اعتراضات اخیر از کمبودهای جدی نیز رنج میبرد. از جمله اینکه یک سری با شعارهای همراه شدند که به اندازه خود جمهوری اسلامی با منفعت طبقاتی و نسلی جنبش ترقی خواهانه جوانان در تناقض قرار داشت. از الله اکبر گوئی گرفته تا دست به دامن "شاه" و "جانم فدای ایران" و غیره همه در ضدیت کامل با خواست واقعی امروز نسل مترق جوانان و رسیدن به آینده ای در شان انسان در دوره بعد از جمهوری اسلامی است. جوانان متمدن، انقلابی و تشنه آزادی و برابری باید از این شعارها پرهیز کنند و تره برای امثال خاندان جنایتکار پهلوی و دیگر نیروهای ملی و اسلامی در اپوزسیون و غیره خرد نکنند، همانگونه که برای خود جمهوری اسلامی و جناحهای آن نباید تره خرد کرد. مطالبه و شعار "آزادی برابری، رفا و امنیت علیه استبداد مذهبی و ملی، علیه دیکتاتوری هم خامنه ای و هم شاهنشاهی، علیه مذهب نوع جمهوری اسلامی و همچنین از نوع مجاهدینی و شیرین عبادیها، بلاخره شعار زنده باد سوسیالیسم و حکومت کارگری" بیش از هر چیزی واقعیت آزادیخواهی نسل جوان را نمایندگی میکند، چرا که همچنانکه گفته شد ضمن خصلت شور و انقلابی گری نسلی در جنبش جوانان، اکثرا به خانواده‌های سرکوب شده کارگران و زحمتکشان ربط داریم و نباید از منفعت و مصالح طبقاتی آنان فاصله گرفت، و به نیروی ذخیره و سو استفاده چی حامیان استبداد و نظام ظالمانه سرمایه داری و اسلامی و ملت پرستی تبدیل گردیم.

بخش عمده این نسل به خانواده طبقه کارگر تعلق دارند که از دوران کودکی با درد و رنج و استثمار و بی پولی و بی نانی و بی لباسی و نابرابری و ظلم و سرکوب آشنائی پیدا میکند و از اینرو از نظام سرمایه داری و از دولت و استثمار و استبداد عمیقا متنفر هستند.

این نسل علاوه بر اینکه در امور سیاسی جامعه نقش مثبت و انقلابی دارد، در امور تولیدی و آزمون های علمی نیز در موقعیت خوبی و آموزنده ای قرار دارد. در جنبشهای مبارزاتی و آزادیخواهانه مبتکرترین نیرو بوده است. هر آنگاهی که فریاد دفاع از آزادی و حقوق انسانی بلند شده است، بخش عمده نسل جوان در صف اول قرار گرفته است.

بیشتر جامعه ایران را جوانان تشکیل میدهند. جوانان در ایران به خصوص دختران از قربانیان و از آسیب دیدگان اصلی سیستم ارتجاع حاکم هستند. این نسل سر زنده جامعه همیشه در بیرون قدرت بوده است. سرکوب شده، توانایی ها و استعدادهایش نادیده گرفته شده است. در جهت ساختار شکن قدرت دولتیهای مستبد حرکت کرده است. افکار مدرن و مترقی و غیر مذهبی، و چپ و سوسیالیستی در این طیف برجسته است و در جهت دگرگون کردن بافت سیاسی و اجتماعی جامعه قدم برداشته است.

برپایه ی مشاهدات، در گذر ۳۸ سال گذشته، گسترش بی تفاوتی و مخالفت چشمگیر جوانان با دین و سنت است. سطح سواد دانشگاهی، و آشنایی جوانان ایران با جهان مدرن و کشورهای غربی و گرایش آنها به فرهنگ و موسیقی و درموردی هماهنگ ساختن نموده‌های فرهنگ غرب با فرهنگ ایرانی در بسی افزایش یافته است. در همین دوره زمانه، حرکت آزادیخواهی در بسیاری از جوانان گسترش یافته. به دلیل سختگیریهای حکومتی و تیرگی چشم انداز زندگی آینده در بسیاری از این جوانان، نوعی ناخرسندی از فضای اجتماعی موجود، و خواست چشمگیر تغییر در وضع موجود در بین توده های مردم به خصوص جوان ایجاد شده است.

امروز جوانان در رویارویی جدی با حاکمیت جمهوری اسلامی قرار گرفته اند. این رویارویی هم کل حاکمیت جمهوری اسلامی را خطاب قرار داده است و جمهوری اسلامی را بعد از رویدادهای هفتم دیماه با واقعیت تلخ تری روبه رو کرده است. نسل جوان اعم از دختران و پسران پر شور و انقلابی و فعال در اعتراضات اخیر و در واقعه هفتم دیماه و روزهای بعدی نشان دادند که دیگر نمیخواهند در زیر پوشش یک حکومت دینی فاسد و نامسئول بمانند و با شعار ساختار شکنانه حکومتی و در یک حرکت اعتراضی به کف خیابان آمدند و پی مطالبات واقعی خود گشتند. آنها با حضور فعال خود، رابطه خود با مقامات فاسد دولتی را دوباره تعریف و مرز بندی روشنی را با خدایان قدرت در ایران روشن کردند و با آنها تسویه حساب نمودند.

متأسفانه بیکاری رو به افزایش، نادیده گرفتن نیازهای نسل جوان، نداشتن امید به تامین یک آینده مطمئن در ایران بحران زده زیر سلطه جمهوری اسلامی، انزوا و از خود بیگانگی،

گفتگو با رفقا ...

جوانان، آرزوها، رویاها و آرمان های دیگری درس دارند

مینا ستوده

جوان امروز نقش بسیار پررنگی در اجتماع دارد اما در تصمیمات کلان کشور دخالت چندانی ندارد. این از نقاط ضعف و نشانه فاصله حاکمیت با نسل جوان خصوصا نسل مدرن محسوب میشود. چون جوان امروز هم از نظر علمی و هم از نظر فکری میتواند در امور کشوری نقش مثری داشته باشد و کشور را به مسیر بسیار بهتر و امروزی تری هدایت کند و پیشرفت و تمدن و عدالت را به ارمغان بیاورد.

اکنون و در سایه حاکمیت اسلامی دغدغه اولیه هر جوان داشتن شغل خوب و درآمد متناسب با تورم کشور است. دغدغه دیگر نیز داشتن تفریحات سالم و سرگرم کننده است. از مشکلات نسل جوان امروز میتوان از عدم مهارت کافی در مواجهه با مشکلات اسم برد. کمبود اعتماد به نفس و عزت نفس، کمبود تفریحات سالم برای تخلیه هیجانات درونی در سنین جوانی و نداشتن امکانات آزاد و برابر اقتصادی و اجتماعی برای رشد و تعالی خود در کشور عمده موانع پیش روی ما جوانان است.

بعد از انقلاب سال ۵۷ تلاش و توجه لازم، مشخص و اساسی در جهت درک خواسته های جوانان کشور از طرف حکومت اسلامی ایران صورت نگرفته است. در این سالها همواره با آنان با ستیز برخورد شده و حتی دقیقا با گروهی از آنان به عنوان حاملین فرهنگ "فاسد غربی" مقابله خشونت آمیزی انجام گرفته و میگیرد. ما از این برخوردها و روش های خشن خسته شده ایم و این نوع برخوردها را نه تنها تحمل نمیکنیم و نمی پسندیم که خواهان استقلال، آزادی و کنترل بر شیوه و شرایط زندگی خود هستیم. خواهان کوتاه شده دست حاکمیت از زندگی اجتماعی و خصوصی خود هستیم!

جوانان آرزوها، رویاها و آرمان های دیگری درس دارند که باید به آنها توجه داشت. نسل جوان امروز دیگر دیکتاتوری مذهبی را نمی خواهند آنان خواستار یک نوع فضای باز اجتماعی هستند که بتوانند به دلخواه خود در آن فضا زندگی و جوانی کنند.

جوانان بیکاری که در فقر و تنگدستی به سر می برند از مشاهده فساد گسترده سیستمی و فقدان برنامه جامعی که در کوتاه مدت به اشتغال آنها بیانجامد شدیداً نومید هستند، و چون مجرایی برای به گوش رساندن نارضایتی خود ندارند اعتراض خیابانی را برگزیده اند. حرکت این جوانان نشان از خشم مفرط آنها نسبت به کم توجهی نظام به وضعیت آنها و اولویت دادن به اهداف غیر لازم دیگر نظیر حضور منطقه ای و حمایت از متحدین در کشورهای همسایه و یا مثلا توانمند سازی نهادهای ایدولوژیک و مذهبی به جای تنگدستان جامعه است!

آینده آزاد، مرفه و خوشبخت نسل جوان در گروه نماندن حاکمیت نظام اسلامی و طبقه سرمایه دار و نظام فساد حاکم بر کشور است. برای تحقق چنین آینده ای راهی جز مبارزه جدی و اتحاد جوانان و بقیه اقشار زحمتکش و آزادیخواه وجود ندارد!

ما نسل جوان به طبقه کارگر و زحمتکش و روشنفکران مترقی و سکولار و سوسیالیست جامعه ایران ربط داریم نه به جنبشهای دست راستی و طبقات دیگر.

انسانهای آزادیخواه و زنان و جوانان انقلابی در این جنبش نقش ایفا کردند، اما علیرغم فداکاری ها دلیل نبود آلترناتیو و هژمونی سوسیالیستی نتوانستند در دل این مبارزات تشکل های رزمنده و طبقاتی خود را شکل دهند و یا به گسترش رادیکالتر آن تا این لحظه کمک جدی کنند. این کمبود میدان را برای سرکوب بیشتر نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی و وفاداران نظام کثیف باز گذاشت تا با امنیتی کردن و ملیتاریزه کردن شهرها فضای رعب و وحشت را بر جامعه حاکم کنند. مبارزه ما با جمهوری اسلامی تا سرنگونی کامل آن و دست یابی به آزادی و برابری و سوسیالیسم ادامه خواهد داشت. برای تعمیق و پیشبرد این مبارزه سر نوشت ساز نسل جوان را به پیوستن به سیاستهای انقلابی، غیر قومی و غیر مذهبی و به افق و آلترناتیو سوسیالیستی فرامیخوانیم!

جا دارد در اینجا گرامی بداریم یادو خاطره همگی عزیزانی که در این روزها جان عزیزشان را فدای خواستهای برحق خود و توده های مردم زحمتکش در ایران کردند و جان سپردند.

تماس با

حزب سوسیالیست انقلابی
Iransocialist2017@g
mail.com

پسر گل فروش گفت:

تو یک هفته به جای من زندگی کن ، من

یک سال به جای تو عبادت میکنم ،،

شکم گرسنه نمیتواند صراط المستقیم را

خوب ادا کند ،،،

سلام مرا به خدا برسون و بهش

بگو گل نمی خری ؟

اینجا کشورم ایران پسری با پدر میلیاردرش سوار بر

لکسوز به نماز جمعه

میرفت

در یک چراغ قرمز پسری همسن خودش را دید که گل

میفروخت

پسر میلیاردر به گل

فروش گفت : الان وقت نماز جمعه است چرا نمیروی

نماز جمعه !!...!!

نه قومی، نه مذهبی، زنده باد هویت انسانی!

اسلام و تسلیم نقطه مقابل آزادیند (قرآن رابا زبان مادری بخوانیم)

سهراب کرماشانی

سوره بقره: آیه ۶۷ .. ووقتی را که موسی بقوم خودگفت هرآنکه که خدا امر میکند شمارابه اینکه بکشید گاو را قوم او پاسخ دادند او را که ما را استهزامیکنی موسی گفت پناه میبرم بخداکه سخن بفسوس واستهزاگویم که این کارمردم نادان است.."

موسی به قوم یهودنمیوانسته راهکاری بدهدکه مردم بتوانند از شرایط بحرانی و خشکسالی که برایشان پیش آمده عبورکنند، از کاشت نخود و عدس و حبوبات گرفته تا چشمة هایی که بدست عصای موسی آمده و همه خشکیدند و هم اکنون آخرین شلک نهایی جهت برون رفت از قحطی و گرسنگی قربانی کردن گاو است که شاید بعد از مدتی شرایط زیستی به حالت طبیعی بازگردد موسی بتواند به استمرار حکومت دینی اش ادامه دهد. البته قوم یهود پاسخ جالبی به موسی داده اند و گفته اند خداراستهزا میکنی یا مارا؟! "

آیه ۶۸: "قوم موسی گفتند از خدا بخواه که معین فرماید چگونگی و خصوصیات گاورا موسی گفت خدامیفرماید گاوای باشد نه پیراز کار افتاده و نه جوان کارنکرده بلکه میانه این دو حال باشد اکنون که تعیین شد آنچه مامورید بجا آرید.."

اگر واقعیت امر چنین است که در این آیه آمده قوم یهود از خدای ساختگی موسی توانا تر و آگاه تر بوده اند

چرا که آنان به موسی یادآوری میکنند به نیروی فوق خود بگو که خصوصیات گاوای که میخواستیم کشتار کنیم چگونه باشد.

آیات ۶۹، ۷۰، ۷۱: "باز قوم بموسی گفتند از خدا بخواه که رنگ آن گاورا نیز معین فرماید موسی جواب داد خدا میفرماید گاو زرد زربنی باشد که رنگ آن بینندگان را فرح بخش است باز گفتن داز خدا بخواه چگونگی آن گاو را برای ما خوب روشن گرداند که آن هنوز بر ما مشتبه است چون رفع اشتباه ما شود البته اطاعت کرده و بخواست خداراه هدایت پیش گیریم موسی گفت خدامیفرماید آن گاو هم آنقدر رام نباشد که زمین شیار کند و آب به کشتزار دهد و هم بی عیب و بکرنگ باشد. قوم گفتند اکنون حقیقت را روشنی ساختی و گاوای بدان او صاف کشتند لیکن نزدیک بود در این امر باز نافرمانی کنند.."

از آیه ۶۷ به بعد جدال بر سر اینکه گاو را قربانی کنند یا نکنند مشخصات گاو چگونه باشد چه رنگی را انتخاب کنند و نه بتواند آب به کشتزار ببرد و نه بتواند زمین را شخم بزند تمامی این اراجیف برای به بیراه کشاندن و توجه اذهان به خرافات و توهمات است. آیاتی که قدرت و معجزات موسی و نیروی برتر به رخ میکشاند اگر به قول خودشان واقعی بنظر میرسید میتوانستند قوم یهود را به راه راست هدایت کنند پس اینجا معلوم شد که نه نیروی برتری وجود دارد و نه آنکه موسی معجزه گر بوده است.

نتیجه اینکه تمامی ادیان ابراهیمی همه و همه دروغ و فریب بوده است.

آیات ۷۲، ۷۳: "یاد آرید وقتی که نفسی را کشتید و یکدیگر را در آن متهم کرده و خداوند رازیکه پنهان میداشتید آشکار فرمود پس گفتیم پاره ای از اعضای آن گاورا بر بدن کشته زنید که اینگونه خداوند مردگان را زنده خواهد فرمود و بر شما آیات قدرت خویش را نمودار گرداند باشد که درک کنید.."

من در عجبم که چرانهوز که هنوز دانشکدهای پزشکی جهان درمانده و عقب مانده تر از دین هستند آنقدر که پزشکان جهت نجات جان انسان وقت صرف میکنند و همیشه در این راه ناموفق بوده اند میتوانند از همین شیوه برای بهبودی بیماران استفاده کنند، و حتی با پاره ای از گوشت گاو میتوانند مردگان را زنده کنند.

آیه ۷۴: "پس با اینهمه سخت دل گشتید که دلها تان چون سنگ یا سخت تر از آن شد چه آنکه پاره ای از سنگهاست که نهرهای آب از آن بجوشد و برخی دیگر سنگها بشکافد و آیا طمع دارید که یهودان به دین شما هم از آن بیرون آید و پاره ای دیگر از ترس خدا فرود آیند و ای سنگدلان بترسید که خدا غافل از کردار شما نیست.."

در این آیه اشاره به سنگ میکند که آب توان شکافتن آنرا دارد. اگر اینگونه است رحمتت را که همانا آب است به درونم جاری ساز تا آنگونه که خود میگوی باشم نه آنچه که خود هستم چه بسا که این کار را نمیتوانی و با ترندهایت و تحریف حقایق به شیوه ایی عمل میکنی که مرامحکوم و خود را حاکم مبینی!!!

آیه ۷۵: "بگروند در صورتیکه گروهی از آنان که کلام خدا را شنیده و بدخواه خود تحریف میکنند با آنکه در کلام خدا تعقل کرده و معنی آنرا کاملاً دریافته اند.."

حتی آنانکه به دین شما گرویده اند تقسیم بندی میکنند اگر در تمامی ادیان ابراهیمی مرکز تفکر و تعقل مغز را میدانستند و نه قلب مطمئناً من خود یکی از پیروان پروپاقرص ادیان میشدم

آیه ۷۶: "و هر وقت با اهل ایمان ملاقات کنند گویند ما نیز ایمان آورده ایم و چون خلوت کنند با یکدیگر گویند چرادرای که از علوم خدا برای شما گشوده بر روی مسلمانان باز کنید تا به کمک همان باشما حاجه و خصومت کنند چراره عقل و اندیشه نمیپویید.."

نویسنده کتاب ناشر جدایی انسانها و خود از گروه تفرقه افکنان بوده و اگر اینگونه نبود ادیان ابراهیمی در درون تضادهای خود غلطان و مبهوت نبودند. ادامه دارد **زنده باد کارگر - ناپویداد حاکمیت دینی - زنده باد حزب سوسیالیست انقلابی ایران**

حزب سوسیالیست انقلابی برای آزادی بی قید و شرط برابری زن و مرد در همه شئون، و پایان دادن به کلیه قوانین مذهبی و سنتی و مردسالارانه که علیه زنان عمل میکند مبارزه میکند. سرنگونی جمهوری اسلامی ضد زن قدم نخست رسیدن به این هدف است. حزب، همه زنان آزادیخواه را به پیوستن به صفوف خود فرامیخواند

دست مذهب از زندگی مردم کوتاه!

کنفرانس مؤسس حزب

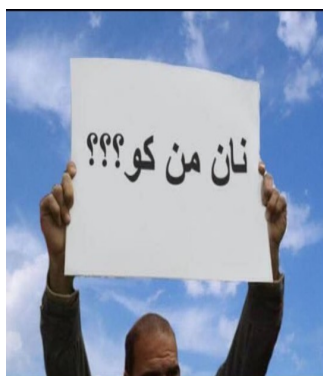
کمتر از چهار میلیون تومان حداقل دستمزد را نباید پذیرفت!

(متن پیاده شده بخش اول سخنرانی سلام زیجی در سمینار کارگری گونتبرگ - سوئد)



موقعیت بهتر اقتصادی باید در دستور داشته باشد تا هم زندگی خود و خانواده اش تامین گردد و

هم به عنوان یک طبقه از موقیت مناسبتری برای اعتراض و اعتصاب برخوردار باشد. در جامعه ای که خودت به مثابه طبقه کارگر قدرت نداری، تحت ستم و سرکوب یک طبقه دیگری در قالب دولت حاکمه قرار دارید مجبورید کاری انجام دهید برای نفس راحتتر کشیدن، برای کسب موقعیت بهتر، و برای اینکه بتوانید تجدید قوا کنید تا متحد تر به مبارزه علیه نظام سرمایه داری و برای آزادی و برابری تلاش کنیم. با جیب خالی و با گرسنگی(بعدا بیشتر به این اشاره خواهم کرد)متأسفانه نمیشود اعتراض و مبارزه رادیکال و مستمر و "خطرناک" برای دولت و سرکوبگران سازمان داد و به پیش برد. وضعیت اقتصادی مطلوبتر و همچنین تشکل یابی طبقه ی کارگر مسئله ی کلیدی است برای تداوم مبارزه طبقاتی طبقه کارگر، چه در ایران و چه در خارج از ایران، و البته ناظر بودن افق و سیاست سوسیالیستی بر هر دو مولفه شرط محوری هدایت و پیشروی موثرتر چنین مبارزه ای به نفع خود کارگران است.



در این چارچوب به بحث حداقل دستمزد برمیگردیم، که دو بعد دارد. اول، سرمایه دار سعی میکند بالانسی را برای کم و بیش راضی کردن کارگر برقرار کند که فرد دوباره

عین حال کسی که مارکسیست، کمونیست، سوسیالیست یا رهبر جدی جنبش کارگری است باید این افق را داشته باشد که نفس افزایش دستمزد در عین حال باید جانانه برایش تلاش نمود تا زندگی و موقعیت بهتری را برای جنبش و طبقه بدست آورد، اما پیشرفت واقعی این نبرد نیز در گرو این درک و آگاهی و افق است که به طور کلی مخالف کار مزدی هستیم و خواهان پایان دادن به کار مزدی. بدین ترتیب خواهان نابودی نظام مبتنی بر کار مزدی یعنی نظام سرمایه داری هستیم! بدون چنین هدف و افقی مبارزه اقتصادی و یا افزایش دستمزد نیز نیمه تمام و در چهار چوب منفعت بورژوازی باقی خواهد ماند. اگر بشریت یک روز رنگ آزادی را به خود ببیند اولین گام اساسی آن در لغو کار مزدی است! در نتیجه این دیدگاه و سرحوله ی بحث ما نسبت به موضع دستمزد و افزایش حداقل دستمزد است.

همانطور که اشاره کردم، واقعیت کار مزدی به عنوان یک واقعیت ضد انسانی به ناچار در نظام سرمایه داری پذیرفته شده است و مبنای پایه نظام سرمایه داری را توضیح میدهد. بحث دستمزد و بحث اقتصاد، اقتصاد بر مبنای نابرابری و استثمار وحشیانه خصوصیات نظامهای موجود است. در این موقعیت جنبش ما ضمن تداوم مبارزه علیه سرمایه داری و علیه وضع موجود همزمان تلاش روزمره ای برای افزایش دستمزد و کسب

باتشکر از رفقای شورای دفاع از جنبش کارگری و شرکت شما دوستان گرامی در این سمینار. تلاش میکنم در فرصت کوتاهی که در اختیار دارم به یکی از مهمترین موضوعات جامعه، به طور اخص موضع بسیار کلیدی جنبش طبقه کارگر در ایران، که بحث دستمزد و معیشت است، بپردازم. به نقش غیر انسانی بودن کار مزدی اشاره میکنم اما با این وجود تا مادام قدرت در دست سرمایه داری و دولتهای آنها است ناچار هستیم در باره "دستمزد" هم در این دوره و زمانه و تناسب قوای موجود بپردازیم. از اینرو حول "افزایش دستمزد" و تغییر موقعیت نامساعد اقتصادی کارگران باید تلاش جدی نمود تا گامی بهتر به سوی تدارک مبارزه موثرتر برداشت.

واقعیت این است که نفس پدیده ی مزد، نفس پدیده ی کار مزدی که در جوامع سرمایه داری پذیرفته شده و عادی تلقی میگردد، خود عامل و منشا تمام بدبختیها، مشقات، نابرابریها، جنگ و خونریزی، سرکوب و استثمار و تحقیر انسان در سطوح مختلف است! از اینرو، به نظر من وقتی هرکسی وارد پروسه ی مزد و حداقل دستمزد میشود، که البته خیلی ضروری و سرنوشت ساز است برای طبقه کارگر و جنبش سوسیالیستی آن طبقه، اما در

نه قومی نه مذهبی، آزادی برابری

کمتر از چهار میلیون...

با این وجود هنگامی که این موقعیت را با کشورهای خاورمیانه، خصوصاً با ایران، مقایسه میکنیم موقعیتها باهم قابل مقایسه نیستند. نه به صورتی که این موقعیت مورد تأیید ما باشد، خیر، اما چه در سطح دولت و طبقه ی سرمایه دار و مسئله ی دستمزد و مسائل تشکل و موقعیت اقتصادی-اجتماعی کارگر هر چند همچنان در جامعه سرمایه داری قرار داریم اما تفاوت های فاحشی بین آن دو موقعیت در اروپا و ایران و خاورمیانه وجود دارد. اینجا سرمایه داری نسبتاً "رام شده تر" و آنجا یک سرمایه داری افسارگسیخته، وحشی، پلیسی، مرتجع اسلامی و ناسیونالیست عقب مانده در قدرت هستند. اولاً وقتی به ایران برمیگردیم مسئله ی جنبش کارگری، به طور اخص بحث دستمزد، به جاده ی يك طرفه است که توسط دولت و زورگویان در سایه سرکوب و تحمیل گرسنگی از کانال نهادهای تعریف شده ی "کارگری" دولت مانند شورای عالی کار، شورای اسلامی، خانه کارگر، و انجمن صنفی ها، میخواهند آن چیزی که دقیقاً سرمایه دار ایرانی و موقعیت بورژوازی در ایران طلب میکند دستمزد مورد نظر خود را به کارگر تحمیل کنند. و این پدیده ای تازه نیست. تمام عمر جمهوری اسلامی به این شکل وحشیانه با کارگر رفتار شده است. چرا چنین ویژگی در ایران وجود دارد؟ علاوه بر خصلت کاپیتالیستی ویژه

حاکم در ایران که به نیروی کار ارزان متکی است، یکی از دلایل اساسی و سیاسی دیگر آن این است که جنبش کارگری يك انقلاب را تجربه کرده اند، يك انقلابی که سال ۵۷ رخ داد، حالا سرنوشت انقلاب هر چه شد شده، اما در آن انقلاب جنبش کارگری و طبقه ی کارگر در ایران مهر خودش را کوبید و به مثابه یک طبقه وارد عرصه سیاست شد و به یک عامل اصلی سرنگونی یک نظام مستبد پادشاهی تبدیل گردید. اگر طبقه ی کارگر نبود حکومت استبدادی سیستم پادشاهی امکان شکستش حتمی نمود. سران جمهوری اسلامی این پتانسل "خطرناک" را دیدند، میسناسند و میدانند اگر اجازه بدهند داستان سال ۵۷ علیه خودش نیز تکرار میگردد.

وزیرکار ایران در آن زمان گفت کارگری به من بگوید دستمزدم را بده، که طلب دستمزد کند، هنوز متولد نشده است! شروع کردن به لشکر کشی و نقشه کشی برای عقب راندن و سرکوب طبقه کارگر آن دوره. آن موقع متوجه شدند که وقتی جنبش کارگری خواهان دستمزد باشد با کارگری ساده و پراکنده رودرو خواهند شد. کارگری که تازه از انقلاب ۵۷ بیرون آمده است "خطرناک" است برای دولت و طبقه ی سرمایه دار. به همین دلیل به انواع شیوه از نیروی مسلح گرفته تا جریانهای نزدیک به ملی-اسلامی های مانند توده ای، اکثریتی و خط امامی ها را سازمان دادن و فرستاده شدند به



چهار میلیون تومان حداقل دستمزد خط فقر

جان کارگران از جمله در شرکت نفت و مراکز صنعتی. در نتیجه کشمکش حاد و بیرحمانه طبقاتی از آنزمان تا امروز بین جنبش کارگری و جمهوری اسلامی و کارفرمایان در جریان است. جنبش کارگری فعالین زیادی را از دست داده در راه مبارزات انقلابی خود،

وقتی دولتهای غربی جمهوری اسلامی را به ایران تحمیل کردند و خمینی را کردند "رهبر انقلاب"، بعد از فریبکاریهای اولیه، شروع به قلع و قمع انقلابیون کردند. اولین سرکوب های خود را همزمان با سرکوب مخالفین سیاسی و احزاب، روی چند قشر مشخص انقلابی از جمله کارگران و زنان متمرکز کردند.

و ما برای آنها سر تعظیم فرود میاوریم! در تمام نقاط ایران با تفنگ و کشتار و اعدام و زنجیر و شلاق و تازیانه بر پشت کارگران کوبیدن و اخراج و تحمیل گرسنگی ۳۸ سال است به پاسخ واقعی جمهوری اسلامی و سرمایه داران تبدیل شده است. آنهای که فکر میکنند که نباید خشونت کرد علیه چنین نظامی باید خجالت بکشند وقتی که ۳۸ سال تمام است کارگران در ایران به این شکل تمام عیار و خشونت آمیز مورد حمله و سرکوب و استثمار حاکمیت اسلامی و سرمایه داران قرار میگیرند.

برخی اتفاقاتی که در برابر جنبش کارگری صورت میگیرد حتی در دوران بربریت هم به ندرت یافت میشود. به نظر شما این درجه از سرکوب و خشم در برخورد به کارگر به چه دلیلی است؟ برای اینکه به عنوان طبقه ای خطرناک به حساب می آورند، و میدانند که اگر کوچکترین موقعیت بهتری کسب کند میتواند خطری باشد برای سرنگونی حکومت سرمایه داران و خیل مفت خور آخوند و اسلامی. از همین رو بسیار آگاهانه از روز اول که سر کار آمدند انواع نقشه برای گمراه کردن، به بیراه بردن و تهی کردن خصلت انقلابی ضد سرمایه داری و ضد دولتی طبقه کارگر از درون بکار گرفتند. انجمن صنفی، شورای اسلامی، خانه ی کارگر و غیره را سازمان داده اند و راه تشکیلی مستقل را سد کرده اند تا کارگران را مجبور به تن دادن به این نهادهای ضد کارگری کنند. میلیون ها کارگر را با اجبار و فریب عضو این تشکیلاتها ضد کارگری کرده اند.

کمتر از چهار میلیون...

و طبق آئین نامه های که دارند ان ها را مجبور به امضا کردن و متعهد شدن به قراردادهایی کرده اند که اعتصاب نکنند، به سیاست و احزاب سیاسی نپیوندند، وقتی سرمایه و سود سرمایه داران در کارخانه در حال افت کردن باشد حق اعتراض و اعتصاب ندارند، و عملا از این طریق بخشی از طبقه ی کارگر تبدیل میشود به نیروی تحت کنترل جمهوری اسلامی و تامین کننده منفعتهای دولت و سرمایه داران. از کانال این تلاش ها و نهادها نقش بسیار منفی روی کل جنبش گذاشته اند. از سوی دیگر خود ما هم نتوانستیم اتحاد و تشکل و تحزب که نیازمند جنبشمان است متحقق کنیم. از اینرو متأسفانه کمتر شاهد حرکت های قدرتمند و به هم پیوسته و رادیکال کارگری حتی در دفاع از سرکوب و بازداشت فعالین خود نیز هستیم.

کارگر را تا آخرین نقطه فقر گرسنه نگه میدارند. کارگر و طبقه ای که گرسنه است اعتراض میکند اما اعتراض انقلابی را نمیتواند سازمان بدهد، نمیتواند آگاهانه و برنامه ریزی شده با نقشه و تحت هژمونی رهبران سوسیالیست خودشان یک جنبش مستحکم طبقاتی را سازمان بدهند. پس کارگر به چیزهای دیگری تن میدهد که نباید تن در دهد. رقابت های درون جنبش کارگری که جمهوری اسلامی راه می اندازد میان ترک و عرب و بلوچ و کرد و فارس و شآغل و بیکار و غیره تا بخشی از کارگران به دام آن افتاده و یا ناچار میشوند در صورت نبود تشکل مستقل و واقعی کارگری به دام تشکل های زرد دولتی که وجود دارند می اندازند.

امال خشونت و میزان نفرت و خشمی که از جانب دولت

و بورژوازی ایران نسبت به بخش آگاه طبقه کارگر هست کمتر جای پیدا میشود، تصاویر شلاق و زنجیر و زندان و تحمیل مرگ تدریجی و تحقیر فعالین علنی کارگری در مقابل خود مجسم کنیم که دقیقا برای ترساندن کل طبقه اعمال میگردد. کارگر را میبرند زنجیر به پای ان ها میبندند، آنها را چندین بار در ملا عام شلاق زده اند، چندین بار بروی اعتراضاتشان آتش گشوده اند، فعالین زیادی را در زندان و بیرون زندان کشته اند، آنها بخاطر پیگیری مطالبات اولیه کارگری، به خاطر چی؟ به هدف درس عبرت دادن به کل طبقه انجام میدهند که بفهمند بله سر رهبرانتان این بلاها را می آوریم و شما هم نمیتوانی هیچ کاری بکنی! میگویند ۴ میلیون نفر بیکار داریم در کشور اما در واقع از ۱۰ میلیون هم بیشتر است. حداقل ۲ میلیون کودکان کار و خیابانی داریم که فرزندان کارگران و زحمتکشان آن مملکت هستند، کارگری که بیکار است و بیمه ی بیکاری هم ندارد باید چگونه زندگی کند؟ بخش وسیعی از کارگران حتی تحت پوشش بیمه و قانون کار ضد کارگری خود جمهوری اسلامی هم قرار ندارد، یعنی قرارداد دستمزدی که راجب ان بحث میکنیم حتی شامل آنها هم نمیشود. یعنی در واقع میلیون ها برده ی گرسنه و بی امید و بی آینده و اما متنفر از اوضاع حاکم در کشور داریم. در خیلی از مراکز ساعت کار معنی ندارد، دستمزدهای معوقه چندین ماهه را هم نمی دهند و کسی هم در آن دولت خیالش نیست، از کارگر تا جایی که دوست دارند کار میکشند. مقامات جمهوری اسلامی آمار داده است که بیش از ۹۰ درصد کودکان کار و خیابانی مورد تعرض جنسی قرار میگیرند. این کودکان همان کودکان کارگرانی هستند که ما راجب با ان داریم صحبت میکنیم، و باید تف کرد به صورت این نظام و مقاماتش که چنین موقعیت غیر انسانی به

طبقه ما و فرزندان آن طبقه تحمیل کرده اند! فلاکت اقتصادی غیر قابل توصیفی به طبقه ی کارگر، یعنی به اکثریت جامعه و سازندگان آن مملکت تحمیل شده است. و از این طریق مانع زیادی ایجاد میکنند سر راه مبارزات و اعتراضات کارگری.

ما باید چه کار کنیم؟ در این رابطه بحث تشکل یابی و تحزب و سیاست سوسیالیستی ربط دارد به چگونگی رفع موانعها و فراهم کردن ملزومات مبارزه مساعد تر و متحد کننده تر علیه اوضاع شکننده که برای جنبش ما ایجاد نموده اند. راه ان این است که طبقه ی کارگر ایران و فعالین کارگری نقشه ی دیگری داشته باشند. اولین حرکت این است که متوجه شد بیشتر روشها و تاکتیک های قبلی جوابگو نیستند. و شکردهای جمهوری اسلامی برای کنترل اعتراضات کارگری را بیشتر باید شناخت و مورد تعرض قرار داد. نباید به چند اقدام سمبلیک و اعتراض زیاد دل خود را خوش کرد وقتی که هنوز در اول راه تشکلیابی و اتحاد و بهم پیوستگی مبارزه طبقاتی هستیم. هیاهو کار ما نیست، سنگر بندی واقعی در زمین صفت و سخت مبارزه طبقاتی امر ما است. ما باید متوجه عدم پیشرفت از طریق اعتراضات صرف محلی و تک فابریکی، با وجود همه اهمیت که دارد، شد. ما باید بیش از پیش متوجه باشیم که از راه توصل به قوانین کار جمهوری اسلامی و نهادها و جناحهای آن نه تنها هیچ چیزی بدست نمی آوریم که دنبال نخود سیاه رفتن و به پای خود تیر زدن هستیم. ما نباید دنبال فرقه بازی و پوپولیسم بازی چپ "خارج کشوری" باشیم. ما نباید از تلاش جانانه برای تامین

اتحاد طبقاتی صفوف جنبش کارگری پرهیز کنیم و فقط به فکر صنف و موقعیت خود باشیم. ما موظف هستیم از فعالین دستگیر شده حمایت کنیم، اعتراض و اعتصاب در حمایتشان راه به اندازیم! و بلاخره روش فرقه بازی و عدم حمایت از همدیگر در جنبش کارگری و اعتراضات در اقص نقاط کشور سم است برای جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر، از جمله حول افزایش دستمزدش و تامین موقعیت بهتر معیشتی برای خود و خانواده و فرزندانمان.

اتحاد، همبستگی و مبارزه ی انقلابی برای جنبش طبقه کارگر ضروری است. باید با نظام استثمارگر ایران مبارزه جدی کرد. و این مبارزه بدون اتحاد و تامین رهبری و سیاست پیشر و سوسیالیستی امکان پیشرفت ندارد. در این مقطع خاص برای اینکه بتوانیم بهتر مبارزه کنیم در درجه ی اول باید حول مطالبه واحد "حداقل دستمزد" که بخش عمده طبقه کارگر را شامل می گردد، و هم اکنون زنده و جاری است، به میدان آمد و آنرا با زور طبقاتی خود افزایش دهیم، نه انطوری که دولت و شورورای عالی کار در تدارک آن هستند. حداقل دستمزد را باید حداقل به مرز خط فقر، یعنی چهار میلیون تومان، برسانیم. شکردها و راه های که جمهوری اسلامی برای نگاهداشتن کاهش دستمزد در نظر گرفته را به شکست بکشیم. ترفند شورای عالی کار و دولت را که در صد هستند حول همان "افزایش ۱۰٪ کارمندان دولت"، در شرایطی که صدها برابر هزینه های زندگی افزایش پیدا کرده است، عملا چنین نسخه مشابه ای برای تعیین حداقل دستمزد کارگران ایران برای سال ۹۷ بیچند، در نطفه با شکست مواجه کنیم و به هیچ وجه چنین سناریویی را نپذیریم.

این حاکمیت دزد و فاسد در نظر دارد رقمی در حدود ۱ میلیون یا کمی بیشتر به

مرگ بر جمهوری اسلامی!

کمتراز چهار میلیون... →

کارگران تمایل کنند که جنایت بزرگتری از سالیان پیش خواهد بود و فاجعه زیادی برای طبقه کارگر ایران به دنبال خواهد داشت. وقتی خود مقامات دولت امار خط فقر را ۳ و نیم الی ۴ میلیون تومان اعلام میکنند، نباید بتوانند دوباره چهار برابر دستمزد زیر خط فقر برای کارگران تعیین کنند! اینها از رشد اقتصادیشان، روی آوری سرمایه گذاران خارجی و خلاصه پیشرفت نظامشان هر روز عریضه میکنند، اما به محض اینکه به کارگر و زندگی و دستمزد او می رسد چنان سیاه نمائی میکنند که براحته دوباره بتوانند کلاهبرداری کنند و دوباره از سفره خالی کارگر و بچه های او هزینه کنند به نفع نظام و سپاه و زندانبان و بیت رهبر و ارگانها فاسد و دزد و مفت خورشان. داستان بانگ مرکزی و فلان بند از "قانون کار" شان را جلو میکنند، راه "قانونی" تعرض جنایتکارانه دیگری را علیه کل طبقه را میخواهند "عادی" تلقی نمایند. اعلام میکنند تورم ۱۰٪ درصد است پس افزایش دستمزد هم ده درصد میشود. به همین سادگی! و اما باز حقه بازی و دروغگوئی آشکار! کسی که این تصمیم را میگیرد در دولت اسلامی سرمایه داران بدون تردید کل طبقه ی ۴۰-۵۰ میلیونی را میبیند، و میداند اگر از حق واقعی هر کارگر فقط ۱ میلیون تومان بزدند می توانند کل هزینه نظام سرکوبگر و تروریست و ضد کارگری شان را تامین کنند. جنایت بزرگ و هولناک اجتماعی و ضد انسانی، و دزدی بسیار بزرگ و آشکار و واقعی که قانونا و علنا از جانب دولت و سرمایه داران صورت میگیرد و کسی هم بخاطر آن زندان نمی رود، شلاق نمی خورد و زنجیر به پایش نمی بندند، و این اوج بربریت است علیه زحمتکش ترین و شرافتمند ترین زنان و مردان کارگر در جامعه ایران!

طبقه حاکمه هم با دزدیدن دستمزد واقعی کارگر و هم با بهره گرفتن از سود کلان ناشی از کار شبانه روزی آن طبقه و تولیدی که میکنند، کل بنیاد نظام جهل اسلامی و سرمایه داری را پا برجا نگاه می دارند. و با همین دو شگرد دزدی و استثمار توام با فریب و سرکوب است که قادر خواهند شد نه تنها هزینه سرکوبگران طبقه کارگر و جامعه که هزینه خرافات دینی گسترده و بیشتر جنگهای ویرانگر و تروریست در کشورهای دیگر را نیز تامین کنند. بعلاوه از خود کارگر بیکار و گرسنه و مهاجر مستاصل نیز استفاده میکنند تا مجبورشان کنند مانند مزدور در خدمت اهداف جنایتکارانه در داخل و خارج کشور مورد سو استفاده قرار بگیرند. برای مثال کارگران افغان و کودکانشان را گیر میاورند و با دادن چند صد دلار در ماه به آن ها پیشنهاد مزدوری میدهند و روانه جنگهای تروریستی در منطقه میکنند. با هزینه هایی که در سوریه و لبنان عراق و غیره میشود میتوان به آسانی مشکلات کودکان کار و خیابانی و مشکل بیکاری و فقر و گرسنگی را در کل کشور ریشه کن کرد، اما روشن است آنان چنین نخواهند کرد چرا که پایان این معضلات را مترادف با پایان حاکمیت و کندن قیر خود تلقی میکنند. کارگری که گرسنه نباشد، از موقعیت اقتصادی و تشکلیابی مناسبی برخوردار باشد، کودک او در خیابان به عنوان کودکان کار سر گردان و مورد تجاوز قرار نگیرد، خانواده اش در اعتیاد و تن فروشی دست و پا نزنند، امکان تحصن و اعتراض و اعتصاب در بعد سراسری و قدرتمند داشته باشد، عضو احزاب مانند ما باشند، یک روزه ریشه جمهوری اسلامی را در خواهد آورد!

همین که ما کارگرهای مانند محمد نظری و شهابی، صالحی و غیره داریم در زندان های این رژیم نشانه این واقعیت است که جنبش کارگری در ایران با وجود واقعیت کمبودهای که دارد، یک جنبش سر زنده است و بر خلاف تمام موانع های و سرکوبگری که جمهوری اسلامی بر سر راه جنبش کارگری گذاشته این جنبش در حال اعتراض و مقاومت و مبارزه است. اما همانطور که اشاره کردم هنوز از موقعیت و تناسب قوای مناسبی برخوردار نیست، هنوز قدرت لازم متشکل و معترض و آماده جنگیدن در بعد سراسری و به ویژه در مراکز کلیدی را در مقابل دولت و کارفرما ندارد. و البته علل اصلی آن علاوه بر سرکوبگری رژیم ضعف خود جنبش ما و جنبش سوسیالیستی آن طبقه و رهبران آن است. طبقه ما از شرایط بسیار بد اقتصادی برخوردار است. مبارزات پراکنده ای دارد، و اگر ما بتوانیم این پراکندگی ها را در جنبش کارگری رفع کنیم یک تشکل یابی مستقیم کارگری را سازماندهی کنیم، مستقل از دولت و کارفرما، نه مستقل از احزاب آنطوری که جریانات ضد کارگری القا می کنند، قادر خواهیم بود اوضاع را عوض کنیم.

بنظر من امروز در مناسبت مبارزه برای افزایش حداقل دستمزد مساعدترین شرایط برای پیشروی جنبش کارگری فراهم است، اگر رهبران آن جنبش بطور جدی وارد عمل شوند. بحث این است که دستمزد کل کارگران به موضوع کل طبقه و جامعه تبدیل شده است، که میتواند محملی برای تحرک، مبارزه، اتحاد و مطالبه واحد و قابل درک برای همه مردم فهمید باشد که کارگران حق دارند برای افزایش دستمزد خود به هر شکلی از اعتراض و مبارزه دست ببرند و به دولت و کارفرما و شورای عالی کار اعتماد و اعتنا نکنند! اکنون زمان آن است به این مناسبت، که خود دولت و کارفرما هم عملا و "قانونا" درگیرش هستند، مبنای برای تحرک هر کسی باشد که خود را فعال و تشکل کارگری می داند. از شمال و جنوب تا شرق و غرب ایران اکنون بستر و مناسبتی برای همدیگر را ملاقات کردند، برگزاری مجامع عمومی کارگری دایر کردن، همفکری و اقدام مشترک علیه دولت و شورای عالی کار و برای طرح مطالبات واحد کارگری از جمله مطالبه ۴ میلیون تومان، بیش از هر زمانی فراهم تر است. اکنون بیش از هر زمانی شرایط مساعدتر است که به مناسبت اقدام مشترک برای طرح واحد مطالباتی بپروان افزایش دستمزد ۹۷ پایه های واقعی تشکل سراسری کارگری را بنیاد گذاری کنیم. تشکل بر آمده از اراده کارگران چند مراکز مهم کوچک و بزرگ، که چند میلیون یا چند صد هزار کارگر عضو داشته باشند. به رسمیت شناختنش از سوی دولت اصلا مهم نیست، چرا که با قدرت خودش واقعیت خود را تحمل خواهد کرد. طبقه کارگر ایران امروز برای کسب حداقل دستمزد ماهانه مورد نظر خود و بیرون کشیدن این حق از حلقوم دولت و کارفرما که، در شکل عوامفریبانه شورای عالی کار حضور دارند، نیازمند چنین تحرک و اقدامات و نیازمند انتخاب و اعلام نمایندگان واقعی خود در مراکز مهم کارگری بعنوان طرف حساب اصلی با دولت و کارفرمایان ایران است. بدون چنین تلاش و اقداماتی هیچ تحول مثبتی به نفع طبقه کارگر صورت نمیگیرد، و اطلاعاتیه های آخرین روزهای این و آن نهاد در اعتراض به تصمیم دولت و شورای عالی کار نیز مانند سالیان پیش بی تاثیر باقی خواهند ماند. در ادامه سمینار به جوانب دیگری از این بحث و جدال مهم مبارزه طبقه کارگر پرداخت. با تشکر مجدد از حضورتان در سمینار! (این متن از جانب رفیق تینا - خ بر اساس فیلم ضبط شده بخش اول سخنرانی رفیق سلام زجیجی در سمینار کارگری "شورای دفاع از جنبش کارگری در ایران، گوتنبرگ- سوئد" که در تاریخ ۱۲ نوامبر ۲۰۱۷ برگزار شد، پیاده گردیده است)

نشریه شنبه ها

منتشر میشود

روزهای شنبه هر هفته
نشریه "سوسیالیسم
امروز" منتشر میشود.
آخرین زمان برای ارسال
مطالب برای نشریه
روزهای پنجشنبه هر هفته
است.

موازین انتشار

مقالات در نشریه

سوسیالیسم امروز:

- سردبیر در انتشار، رد و
ویرایش مقالات آزاد است!
- مقالاتی در این نشریه منتشر
میشوند که تنها برای این
نشریه فرستاده شده باشد.
- مسنولیت مقالات با
نویسندگان آن است.
- حداکثر حجم مطلب منتشره در
نشریه دو صفحه آ ۴ با فونت
۱۲ میباشد.

مقالات و گزارشات خود را لطفا
به این آدرس ایمیل بفرستید:

S_zijji@yahoo.se

به ما کمک مالی کنید

از طریق این شماره حساب
کمک های مالی خود را برای
ما بفرستید.

SWEDEN
SEB BANK
50550056411

هر میزان از کمک مالی شما
انسانهای مبارز و دلسوز
مستقیما به پیشرفت ما در
جهت گسترش مبارزه خود
برای آزادی و برابری و تداوم
مبارزه همه جانبه تر خود به
منظور سرنگونی جمهوری
جنایتکار اسلام کمک فوری
خواهد کرد.

اخراج و بیکارسازی موقوف!